

توسعه پایدار و نقش آفرینی زنان روستایی

سرشناسه	امیری دشتی، سیده مهدیه ۱۳۶۱ - نویسنده.
عنوان و نام پدیدآور	توسعه پایدار و نقش آفرینی زنان روستایی / نویسنده مهدیه امیری،
مشخصات نشر	دشتستان: هامون نو، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۵۰ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۹۵۰۲۸-۵-۱ ۵۰۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی	فیا

موضوع	زنان در توسعه پایدار -- ایران -- بوشهر (استان)
موضوع	Women in sustainable development -- Iran -- Bushehr (Province):
موضوع	زنان -- ایران -- بوشهر (استان) -- وضع اجتماعی
موضوع	Women -- Social conditions -- Iran -- Bushehr (Province):
موضوع	زنان روستایی -- ایران -- بوشهر (استان)
موضوع	Environmental protection-- Iran -- Participation, Female:
شناسه افزوده	جمعیت زنان مسلمان نواندیش - استان بوشهر

رده بندی کنگره HQ ۱۳۴۰ / ۵ / الف ۹ الف ۸۶ ۱۳۹۵:
 رده بندی دیویی ۳۰۵/۴۲:
 شماره کتابشناسی ملی ۴۶۱۷۱۷۶:

به نام خدا

توسعه پایدار و نقش آفرینی زنان روستایی

مهدیه امیری دشتی
(جمعیت زنان مسلمان نواندیش - استان بوشهر)



انتشارات هامون نو
دشتستان
۱۳۹۵

نوسعه پایدار و نقش آفرینی زنان روستایی

مهديه امیری

نویسنده

زمستان ۹۵

۲۰۰ نسخه

۵۰۰۰ تومان

*

چاپ اول

شمارگان

قیمت

*

نشر هامون نو

گاندی

*

طراحی هنری

چاپ و صحافی

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.
انتشارات هامون نو



*

www.hamooniran.com

[@hamooniran](https://www.instagram.com/hamooniran)

✱

فهرست

✱

دییاجه (دکتر حسین دلشب) ۹

✱

توسعه پایدار و نقش زنان روستایی ۱۵

✱

زنان روستایی؛ فقدان تشخص اجتماعی ۲۰

✱

زنان روستایی؛ دیگری های فراموش شده ۲۱

✱

زنان روستایی؛ بی قدرتی سیاسی ۲۲

✱

زنان روستایی؛ عدم همبستگی اجتماعی ۲۴

✱

عدم تعریف نقش اجتماعی زنان روستایی در توسعه ۲۶

✱

توان افزایی زنان جهت توسعه پایدار ۲۹

✱

زنان و توسعه پایدار ۳۴

✱

کسب و کار سبز و زنان روستایی ۳۸

✱

نتیجه گیری ۴۴

✱

منابع و مأخذ ۴۷

✱



دیباچه

یونسکو در سال ۱۹۸۷ در گزارشی اعلام می کند که: در بلندمدت هیچ اقدامی در زمینه کاهش تهدیدات محلی و بین المللی علیه محیط زیست روی نخواهد داد مگر اینکه میزان آگاهی های مردم درباره ارتباط عمیق میان کیفیت محیط زیست و تامین نیازمندی های مستمر انسان افزایش یابد.» این عبارت به عنوان مقدمه و مدخلی بسیار مناسب می تواند مدنظر قرار گیرد تا به بحثی کلی درباره نقش زنان در توسعه پایدار و حفظ محیط زیست ورود کنیم.

در تکمیل این نکته ای که گفته شد باید نقش هر فرد در جامعه برای حفاظت از محیط زیست را مورد تحلیل و واکاوی قرار دهیم، می بایست به وجوه و ساحت های حقوقی و قانونی این امر اشاره

کنیم؛ آن چنان که در اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر نقش اساسی نسل های امروز و فردا برای حفاظت از محیط زیست تاکید و تکیه شده است. این تاکید بر نسل های فردا خودش مبین نکات بسیار زیادی هست که به مساله نقش زنان در حفاظت از محیط زیست می تواند همه آحاد جامعه را متوجه و متذکر گردد. این نقش بسیار مهم و حیاتی را در انتقال مفاهیم و ضروریات حیاتی بین نسلها، همواره زنان و مادران ایفا کرده اند؛ نقشی تربیتی و آموزشی که در اغلب موارد بر دوش زنان و مادران خانواده گذاشته شده است. عمومی بودن حفظ محیط زیست که امری قانونی و حقوقی برای تمام شهروندان تلقی شده، به تمامی می تواند بر دوش آموزش عمیق مادرانی باشد که بی واسطه با کودکان و نوزادان ارتباط برقرار می کنند و نخستین مرجع آموزش و تعلیم و تربیت نسلهای بعد هستند. از سویی دیگر هر برنامه توسعه ای که تدوین و برنامه ریزی شود، زمانی می توان از موفقیت آن امیدوار بود که همه گروه های اجتماعی در اجرای آن نقشی را برای خود تعریف شده بیابند و حوزه های نقش پذیری اجتماعی خویش را معلوم و مشخص در اختیار داشته باشند. در این حوزه برنامه ریزی توسعه ای هم می توان از گروهی یاد کنیم که نیمی از

جمعیت هر ملتی را به خود اختصاص می دهد، و این زنان هستند که به نظر می رسد در توازنی اجتماعی باید نقش خود را در توسعه ایفا کند. در همین زمینه می توانیم از افزایش تشکیل انجمن های زیست محیطی توسط زنان در جامعه ایران یاد کنیم که چگونه این گروه در نظر دارند که به صحنه اجتماع بیایند و مسئولیت شهروندی خودشان را در قبال محیط زیست محقق سازند. این مشارکت همگانی و فراگیر زنان حاکی از عمق درک و فهم این گروه اجتماعی هست که نسبت به محیط زیست و سرنوشت نسلهای آینده دارند و می توان با اندک پژوهشی در لایه های زیرین جامعه ایران، به این خیزش آرام زنان در حوزه محیط زیست واقف شد.

جامعه ایران در مسیر رشد و توسعه ای که قرار گرفته، امکان بارور شدن توانایی ها و ظرفیت های اجتماعی زنان را بسیار مهیا نموده و از همین رو می توان از افزایش نرخ رشد موفقیت های علمی در بین زنان و دختران ایرانی یاد کرد و همین شاخص نشان دهنده این نکته ظریف هست که سرمایه های انسانی توسعه پایدار در سرزمین مان تا چه حد می تواند پتانسیل بالایی داشته باشد وقتی که زنان و دختران یک سرزمین

دارای علم و آگاهی بالایی باشند. از همین رو هم هست که در حال حاضر با افزایش حجم فعالیت ها و کنشگری های مدنی در حوزه های متعدد اجتماعی فرهنگی و به خصوص زیست محیطی در سطح کشور مواجه شده ایم. این ورود زنان به عرصه و کارزار مشارکت اجتماعی می تواند با خود امکان ها و فرصت های توسعه پایدار را به ارمغان بیاورد. این ورود و خیزش آرام زنان در عرصه های مشارکت زیست محیطی در چند سال اخیر همراه شده با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید و ریاست سرکارخانم دکتر ابتکار که ایشان اهتمام جدی در حوزه نقش آفرینی زنان در حفاظت از محیط زیست دارند. در دوره ریاست ایشان بستری فراهم آورده شده تا هر شهروندی با آزادی کامل وارد فعالیت های زیست محیطی شوند و به گونه ای مطالبات زیست محیطی خودشان را بیان نمایند. اداره کل حفاظت محیط زیست استان بوشهر در راستای سیاستگذاری های سالانه خویش و با الگوبرداری از سیاستهای کلان سازمان مرکزی حفاظت محیط زیست سال ۱۳۹۵ را به فعالیت های توسعه پایدار در روستاها و آموزش زنان روستایی جهت توانمندسازی آنان آنگونه خواهد پرداخت که در میان مدت امکان شکل گیری مشاغل سبز و رشد اقتصاد سبز در این مناطق به وجود آید. توجه

به ملاحظات جغرافیایی و مکانی خاص هر منطقه در رشد این برنامه توسعه ای به عنوان یک اصل برنامه ریزی مورد توجه قرار خواهد گرفت و در بلندمدت امکانی شکل خواهد گرفت که تولید ثروت محلی از طریق توجه به ملاحظات اکولوژیکی و ظرفیت های سرزمینی به رویکردی عام در عرصه عمومی این استان مبدل گردد. از همین رو این کتاب که حاصل پژوهش های مهدیه امیری و انجمن زنان نواندیش (ازنو) در طول سال جاری می باشد به عنوان راهنمایی برای کنشگران و فعالان توسعه پایدار محیط زیست و به خصوص مدرسین دوره های توسعه سبز روستایی مورد توجه قرار خواهد گرفت.

حسین دلشب

مدیرکل حفاظت محیط زیست استان بوشهر

آذرماه ۹۵



توسعه پایدار و نقش زنان روستایی

امروزه بحث توسعه پایدار به صورت یک ضرورت در جهان مطرح است و تمامی دولت‌ها برنامه‌های خود را بر اساس توسعه پایدار یعنی توسعه‌ای که برای نسل‌های آینده نیز مفید باشد پی‌ریزی می‌کنند. بر همین اساس اهداف اعلام شده توسط سازمان ملل از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰ کلیه کشورها را موظف نموده که به اهداف و شاخص‌های توسعه پایدار با همکاری و تعامل یکدیگر در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی دست یابند. دستیابی به توسعه پایدار ارتباط مستقیمی با آموزش نیروهای انسانی دارد. یکی از زمینه‌های موثر در ارتقای سطح برابری جنسیتی، تقویت و توانمندسازی زنان از طریق دادن آموزش به آنان در خصوص عدم توازن و برابری در قدرت و نیز دادن امکان لازم به زنان

در راستای مدیریت زندگی خودشان است. زنان روستایی یکی از گروه های هدف جهت آموزش و توانمندسازی است که می توانند در فعالیت های مختلف اقتصادی شرکت کنند و زمینه کم کردن تفاوت بین شهر و روستا، فقرزدایی، اشتغال زایی و درآمدزایی از طریق فعالیت های اقتصادی در جهت دست یابی به توسعه پایدار را فراهم کنند. به دلیل وجود وضعیت خاص محیط زیستی که در استان بوشهر وجود دارد، از طریق دادن آموزش به زنان روستایی، امکان توسعه پایدار اقتصادی از طریق کسب و کار سبز وجود دارد. این امر باعث مشارکت فعال آنها در امور مختلف اقتصادی- اجتماعی و چرخه ی تولید می شود.

نگاهی به روند زندگی بشری طی چند قرن اخیر نشان می دهد که توسعه به ویژه توسعه پایدار بدون در نظر گرفتن نقش زنان ممکن نیست. مطالعات انجام شده در تعداد زیادی از جوامع نشان داده است که زنان روستایی عامل مهمی برای رشد و توسعه هستند. «زنان روستایی به عنوان مراقبت کنندگان از تغذیه خانواده، با گرسنگی و سوء تغذیه مبارزه می کنند. نقش عظیم و نانوشته آنها در کشاورزی، بقای بسیاری از اجتماعات معیشتی را در زمین

های حاشیه ای تبیین می کند. اما عموماً این نقش زنان روستایی در برنامه ریزی های محلی و منطقه ای نادیده گرفته شده و فعالیت های روزمره زنان امری عادی و فاقد تاثیر ساختاری خاص در نظر گرفته شده است. در حقیقت زنان روستایی به عنوان کنشگرانی منفعل در روند تحولات بشری نگریسته شده اند. این در حالی است که مشارکت زنان روستایی همراه با مردان در تمامی مسائل نشان از پذیرش برابری ارزش انسانی همه آحاد جامعه دارد که با همدیگر در امور مختلف همکاری نموده و از طریق آن دست به تحول می زنند و تغییراتی مثبت را به وجود می آورند که برای آینده کل جامعه می تواند مفید باشد.»

امروزه کشورهای در حال توسعه با تنگناها و مشکلات متعددی نظیر فقر، بیکاری، کمبود مواد غذایی و تخریب محیط و منابع روبرو هستند. برای جلوگیری از این چالش ها و کمک به اقتصاد روستایی لازم است استعداد و نیروهای موجود در روستاها شناسایی شوند تا بتوان به سوی توسعه پایدار حرکت نمود. از مهم ترین این نیروها زنان روستایی هستند که می توانند در فعالیت های مختلف اقتصادی شرکت نمایند و زمینه

کم کردن تفاوت بین شهر و روستا، فقرزدایی، اشتغال زایی، اجتناب از مهاجرت و رونق دادن به فعالیت های اقتصادی را فراهم نمایند. از دیگر سوی تحولات چشمگیر در دو دهه اخیر در جهان باعث گردیده که کاهش نابرابری های جنسیتی جزء جدایی ناپذیر فرایند توسعه گردد و یکی از مهمترین این تحولات، ضرورت و اهمیت حضور زنان در جامعه می باشد.

«مشارکت زنان همراه مردان در تمامی مسائل نشان پذیرش برابری ارزش انسانی همه آحاد جامعه است که با همدیگر در امور مختلف همکاری نموده و از طریق آن دست به تحول می زنند و تغییراتی مثبت را به وجود می آورند که برای آینده کل جامعه می تواند مفید و مؤثر افتد. به عبارت دیگر مشارکت زنان روستایی در تمامی زمینه های زندگی اقتصادی و اجتماعی یکی از مهم ترین عوامل دست یابی به توسعه پایدار روستایی بوده و ضرورتی بنیادین دارد. از طرف دیگر زنان نسبت به مردان به دلایل خاص روانشناختی و الگوهای رفتاری، نابودی محیط زیست را زودتر درک کرده و نسبت به آن واکنش نشان می دهند. جامعه باید به نقش زنان در توسعه و به خصوص توسعه

پایدار روستایی توجهی فراوان مبذول داشته و برای مشخص کردن الگوهای توسعه روستایی، حضور زنان را در تمامی ابعاد به عنوان نیمی از نیروی انسانی بالقوه فعال مطرح کرده و امکان توسعه پایدار روستایی را بدون مشارکت این نیمه فراموش شده عملی نمی بینند.» بنابراین توسعه پایدار در روستاهای ما زمانی امکان پذیر است که، زنان روستایی ضمن کار و تلاش طاقت فرسا، صاحب درآمد و مالک منابع مالی همراه با دخالت و مشارکت در امور و مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه خود شوند.



طرح مساله

زنان نیمی از جامعه انسانی را تشکیل می دهند و بالتبع در توسعه آن نیز تاثیرگذار می باشند. برای پذیرش این دیدگاه باید نقش و جایگاه انسانی را به عنوان اساس و محور توسعه پذیرا باشیم. روند کنونی مشارکت زنان روستایی در جامعه ایرانی خصوصا منطقه جنوب، زینده جامعه‌ی که اغلب زنان آن تحصیل کرده و دارای تجربه در زمینه های اجرایی و مدیریتی می باشند، نیست.

به طور کلی اساس توسعه که بر پایه مشارکت اجتماعی انسان ها با جنسیت های متفاوت در کنار یکدیگر شکل گرفته، در جوامع در حال توسعه و به طور مثال در منطقه جنوب ایران نادیده گرفته می شود. برای بیان این نادیدگی؛ مسائل متفاوتی وجود دارد که از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد.



زنان روستایی؛ فقدان تشخص اجتماعی

همواره در این گونه جوامع، به زنان با نگاه های جنسیتی نگریسته می شود و این آسیب موجب عدم حضور زنان در عرصه های مختلف اجتماعی می گردد. در کنار این موضوع می توان به باورهای غلط اجتماعی مبنی بر عدم مشارکت زنان در فعالیت ها، عدم آگاهی زنان نسبت به حقوق شهروندی خود و عدم آگاهی زنان از زمینه های مختلف اجتماعی و اقتصادی موجود برای فعالیت و حضور در اجتماع نیز اشاره کرد. این موارد موجب گردیده که حضور زنان در جامعه و داشتن فعالیت و تاثیرگذاری آنها نادیده گرفته شود و تشخص اجتماعی برای حضور

و فعالیت زنان شکل نگیرد. موضوعی که در استان بوشهر با وجود خانواده ها و نگرش های جنسیتی که بر زن روا داشته می شود، بسیار احساس گردیده و تشخیصی برای حضور زنان در جامعه روستایی، وجود نداشته باشد.



زنان روستایی؛ دیگری های فراموش شده

زنان روستایی در جامعه جنوب ایران به دلیل نگاه های جنسیتی و وجود مردسالاری از حضور در اجتماع نسبت به دیگر روستاهای ایران دارای محدودیت های بیشتری می باشند. زن جنوبی در اکثر خانواده های شان با دیدگاه های بسته، وظیفه خانه داری و فرزندآوری را دارد و از حضور و فعالیت در اجتماع منع شده است.

در دیگر خانواده های منطقه جنوب که دارای دیدگاه های به نسبت بازتری می باشند عرصه برای حضور زنان در مکان های عمومی و فعالیت های اجتماعی بازتر هست ولی به دلیل نادیده انگاشته شدن زنان و نگاه های تبعیض آمیز زیادی که در خصوص زنان وجود دارد، برخی

از زنان مکان‌هایی برای فعالیت و حضور در عرصه اجتماع پیدا نمی‌کنند و مجدد به حاشیه رانده می‌شوند. حضور کنشگران زن در عرصه‌ی عمومی جنوب به دلیل محدودیت‌های فرهنگی - اجتماعی و عدم حمایت‌های اجتماعی به نوعی سرخوردگی تبدیل می‌گردد و این مساله در کنار چشم‌اندازهای جنسیتی و دیدگاه‌های سنتی مزید بر علت گردیده است. زنان روستایی در جامعه جنوب؛ دیگری‌های فراموش شده‌ای هستند که حتی خود نیز زیاد قادر به بازگرداندن هویت اصلی خویش به مثابه دیگری‌هایی نیستند تا بتوانند در عرصه عمومی و سطح کلان جامعه حضور و فعالیت داشته باشند.



زنان روستایی؛ بی‌قدرتی سیاسی

زنان روستایی استان بوشهر به دلیل وجود کلیشه‌های جنسیتی، حضور آنها در مکان‌های قابل فعالیت در حوزه‌های سیاسی در اغلب موارد با موانع اجتماعی و فرهنگی روبه‌رو می‌شود و در اکثر آنها این تفکر غالب است که در رفتارهای سیاسی باید تابع شوهران یا به طور کلی مردان

خود باشند و نمی‌توانند مستقل از مردان تصمیمی اتخاذ نمایند. در این حالت زنان روستایی، مردان خود را قدرتمندانی می‌پندارند که نتایج مسایل سیاسی با تصمیمات آنها رقم می‌خورد و کنش زن در جهت داشتن نظری مخالف با شوهر یا پدر یا برادر تغییری ایجاد نمی‌کند. داشتن احساس بی‌قدرتی سیاسی در زنان روستایی استان بوشهر به گونه‌ای هست که آنها را معتقد نموده که اگر بخواهند حتی تصمیمی برای حضور فعال شان در عرصه‌ی سیاسی بگیرند، خواه ناخواه با برخی انگ‌های اجتماعی مواجه می‌شوند. به‌طور کلی داشتن این احساس در بین زنان در جوامع در حال‌گذار با دیدگاه‌های بسته‌ی اجتماعی بیشتر می‌باشد.

مشارکت سیاسی در دو سطح توده (مانند شرکت در انتخابات) و نخبگان (عضویت در احزاب و انجمن‌ها و تجربه‌های اجتماعی، حضور در مجلس، قوه مجریه و داشتن مناصب عالی) معنا می‌یابد. زنان استان بوشهر در جامعه در حال‌گذار که از جامعه‌ای پیشامدرن به سوی جامعه‌ای مدرن در حال تغییر هست، همچنان دارای مشارکت سیاسی با کیفیت توده‌ای و تماشاگرانه هستند. وجود مشارکت توده‌ای زنان در استان بوشهر

به نبود آگاهی سیاسی، میزان تحصیلات، طبقه
ی اجتماعی و احساس بی قدرتی سیاسی مرتبط
می باشد.



زنان روستایی؛ عدم همبستگی اجتماعی

زندگی زنان روستایی در جامعه استان بوشهر
نوعی زندگی در وضعیت «تناقض» است. برخی
زنان روستایی در استان بوشهر در زندگی خود
سعی در پس زدن سنت و بروز رفتارهای مدرن
دارند و از طرفی نیز در بین سنت و مدرنیته گرفتار
مانده اند. بدین معنا که در جامعه متناقض و
شبه مدرن بوشهر؛ اغلب مشارکت های زنان به
صورت مشارکت های هیئتی و خیرخواهانه (سنتی)
هست و مشارکت های نهادی و انجمنی (مدرن) در
پایین ترین سطح خود قرار دارد. مشارکت های
هیئتی و خیرخواهانه از جمله فعالیت های اجتماعی
هستند که مقطعی و عاطفی است و همین مساله
مانعی بر سر راه گسترش و تقویت روابط و فعالیت
های زنان و نیز کم شدن عمل جمعی به طور
مداوم و پیوسته در زنان می گردد.

جدای از فعالیت های مقطعی؛ زنان روستایی در استان بوشهر در مقایسه با مردان از نظر هویتی دارای مشکلات زیادی هستند و عمدتاً منابع هویتی زنان تحت الشعاع جنسیت یا خاستگاه های اجتماعی و طبقاتی مردان قرار دارد. برخی زنان روستایی در استان بوشهر با فعالیت های هیئتی و سنتی سعی در معنا بخشیدن به هویت خویش دارند و این مساله موجب کم شدن میدان تعاملات زنان و محصور ماندن آنان در چارچوب نقش های سنتی محوله به آنها شده است. از جمله مواردی که باعث تشدید عدم مشارکت های نهادی و انجمنی در زنان استان بوشهر می شود را می توان به:

- ۱- میزان منابع در دسترس زنان،
- ۲- گستره ی روابط اجتماعی،
- ۳- سطح و میزان اثربخشی اجتماعی و
- ۴- میزان اعتماد اجتماعی زنان اشاره کرد.

در استان بوشهر میزان منابع در دسترس زنان روستایی جهت مشارکت های اجتماعی بسیار محدود می باشد. چرا که؛ امکانات مادی، مهارت های اجتماعی و میزان حمایت های اجتماعی از زنان در این استان بسیار ناچیز است و به زنان به طور خاص آموزش ها و مهارت های اجتماعی

جهت فعالیت در عرصه عمومی داده نشده است.

گستره ی روابط اجتماعی نیز که شامل روابط رسمی و غیررسمی هست نیز تنها به روابط غیر رسمی و دوستانه و خانوادگی محدود شده و روابط رسمی که مستلزم حضور و فعالیت و کنش زنان در اجتماع می باشد، نادیده گرفته شده است. سطح و میزان اثربخشی اجتماعی که شامل باور به اثربخشی حضور و مشارکت در عرصه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است به دلیل عدم باور و پذیرش هویت مستقل در برخی زنان روستایی استان بوشهر در سطح بسیار پایینی قرار دارد و تجربه زنان جهت مشارکت اجتماعی و مدنی که به صورت عملی در آمده باشد، بسیار محدود و ناچیز است. سطح و میزان اعتماد اجتماعی زنان روستایی که شامل اعتماد شخصی و اعتماد رسمی هست نیز بارور نگردیده است.



عدم تعریف نقش اجتماعی زنان روستایی در توسعه

حال این پرسش مطرح می شود که چرا

سیاستگذاران و برنامه ریزان در استان بوشهر، روستاها و زنان روستایی را فراموش کرده اند و نقش و اثرگذاری را که می توانند در توسعه ایفا کنند نادیده گرفته اند؟ این در صورتی است که در جوامع در حال توسعه افراد دارای نقش های مشخصی می باشند و با پذیرش نقش های خود جهت مشارکت اجتماعی فعالیت می کنند. زنان روستایی یکی از مشارکت جویان اجتماعی هستند که با ایفای نقش های خود در قالب های مشخص، سبب قوی تر شدن فرآیند توسعه پایدار در یک جامعه می گردند.

در استان بوشهر به توانمندی زنان روستایی، استقلال زنان روستایی و بهبود شرایط سیاسی، اجتماعی، بهداشتی و... زنان روستایی در جهت توسعه جامعه توجه چندانی نشده و برخی نقش های اجتماعی زنان روستایی به خانه داری، بچه داری و همسررداری محدود شده است و زنان روستایی نیز این محدودیت را با پذیرش نقش های از قبل تعریف شده، پذیرفته اند.

این در حالی است که یکی از موارد توسعه، حتی با حضور در خانه، پذیرش نقش زنان روستایی در مشارکت های اجتماعی است که به پذیرفتن

نقش های اجتماعی می انجامد، می باشد. شاید بتوان به این مساله نیز اشاره کرد که زنان روستایی در خانه نیز برای پذیرش نقش های اجتماعی، آماده نشده اند. زنان به دلیل ارتباطاتی که با گروه های اجتماعی دیگر از قبیل کودکان، نوجوانان و جوانان و تاثیرگذاری بر مردان دارند، نقش های اساسی زیادی را عهده دار می باشند ولی با عدم ضرورت درک این مسایل در بین برخی زنان روستایی در جامعه جنوب مواجه می گردیم.

در همین زمینه باید به نقش های "زنان به مثابه انتقال دهنده گفتمان های بینا نسلی" و "زنان به مثابه سامان دهنده نهاد خانواده" توجه نمود. زیرا؛ آموزش به زنان و دختران روستایی بعنوان مادرانی که پل های انتقال ارزشها، هنجارها، فرهنگ و آداب و رسوم جامعه جنوب به نسل های بعد می باشند، نادیده گرفته شده است.

زنان آگاه، فرزندانی آگاه تربیت می نمایند و این آگاهی نقش بسزایی در توسعه دارد. اما در استان بوشهر، برخی زنان روستایی با عدم شناخت از اهمیت این نقش ها (بدلیل عدم آموزش)

مواجه هستند. همچنین متأسفانه تاکنون نقش زنان روستایی در مراحل مختلف توسعه به طور کامل مورد توجه نبوده و یا اثر فرآیند توسعه بر وضعیت زنان روستایی مشخص نشده است و این امر منجر به ناتوانی برنامه های توسعه در این رابطه گردیده است. «امروزه یکی از مهم ترین دیدگاه های توسعه روستایی، حرکت به سوی پایداری با تأکید بر دیدگاه جنسیتی و مشارکتی است. در حال حاضر نقش حیاتی زنان روستایی در بسیاری از امور مربوط به توسعه مانند تأمین امنیت غذایی، پایداری محیط زیست، ریشه کنی فقر، کنترل جمعیت و توسعه اجتماعی برای جامعه بین المللی روشن گردیده است. ولی با توجه به سهم عمده زنان روستایی در کشاورزی، متأسفانه در طرح های توسعه پایدار، این قشر کمتر مورد توجه قرار گرفته و همچنان به عنوان "شرکای نامرئی" قلمداد می شوند.»



توان افزایی زنان جهت توسعه پایدار

همواره حضور زنان در اجتماع به مثابه نیمی از کنشگران اجتماعی، دارای بحث های زیادی بوده

و با افزایش مشکلات در بخش محیط زیست، این حضور بیش از پیش احساس گردیده است. توسعه پایدار بر سه پایه توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفاظت از محیط زیست استوار هست و امروزه نیاز به حضور زنان جهت انسجام و پویایی اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی برای توسعه پایدار پررنگ تر گردیده است. مشارکت زنان در امور اجتماعی و دستیابی به برابری جنسیتی بخشی از توسعه محسوب می گردد و زمانی که این بخش در کنار محیط زیست نیز قرار می گیرد، بحث توسعه پایدار با حضور و مشارکت زنان، به میان کشیده می شود.

ایده ای در حمایت توامان از زنان و طبیعت پا گرفته که آن را اکوفمینیسم نامیده اند. این نظریه در چند دهه اخیر توانسته حرکت های زیادی را در حفاظت از محیط زیست توسط زنان پدید آورد. اکوفمینیسم معتقد است "طبیعت" سرشتی زنانه دارد و زن نسبت به مرد به طبیعت نزدیک تر است. اکوفمینیسم اعتقاد دارد که «اساسا زنان بیشتر از مردان از لطمه دیدن و آلودگی محیط زیست صدمه می بینند و در نتیجه مسئله محیط زیست مسئله ای جنسیتی است. مثلا افزایش گازهای سمی باعث تشدید آثار گازهای گلخانه ای

و تغییرات آب و هوایی و آلودگی‌هایی می‌شود که بر زندگی بسیاری از زنان به ویژه زنان کشاورز تاثیر مستقیمی دارد و نیز آثار سوء بر سلامت افراد و به ویژه زنان دارد که از نمونه‌های آن افزایش میزان سرطان‌های خاص زنان است». به طور کلی می‌توان گفت «تمام اکوفمینیست‌ها بر سه مساله مشابه تاکید دارند:

- ۱- روابط زنان با طبیعت،
- ۲- ارتباط بین سلطه بر زن و سلطه بر طبیعت،
- ۳- نقش زنان در حل مشکلات اکولوژیکی.»

اجلاس سازمان ملل روی توسعه و محیط زیست در ریو در سال ۱۹۹۲ اتفاق مهمی برای تمامی زنان بود. چراکه؛ به نقش زنان برای توسعه اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی به گونه‌ای دیگر نگاه شد و به سهم زنان در دستیابی به توسعه‌ی بیشتر و مدیریت محیط زیست تاکید بیشتری گردید. «بر اساس خط مشی اقدام در این اجلاس، توانمندسازی زنان، مشارکت کامل و برابر زنان، پایه‌هایی برای صلح و توسعه پایدار در نظر گرفته شدند.»

در سال‌های اخیر در سطح ملی نیز به نقش

زنان در حفظ محیط زیست و توسعه پایدار توجه شده و باعث کنش بیشتر زنان در مباحث تحقیقاتی، اجرایی و آموزشی در کنار مردان در اجتماع شده است. استان بوشهر به دلیل وضعیت خاص زیست محیطی که دارد، مورد حساسیت زیادی قرار گرفته و برای دستیابی به توسعه پایدار زیست محیطی در استان بوشهر باید به بافت شهری و روستایی آن، تولید انرژی از منابع نآلاینده، کشت گیاهان و توسعه فضای سبز، و... توجه ویژه ای داشت که تمامی موارد زیست محیطی در آن بنا بر اعتقاد اکوفمینیست ها در ارتباط با زنان می باشد و مساله محیط زیست در استان بوشهر می تواند مساله ای جنسیتی باشد. چراکه؛ غالب ان جی اوهای فعال در استان بوشهر در حوزه ی محیط زیست هستند و اکثر اعضای آن را زنان تشکیل می دهند یا به نوعی زنان با بحث محیط زیست در خانه و اجتماع آشنا هستند.

زنان در پایداری محیط زیست استان بوشهر نقش عمده ای بازی می کنند. زنان ساکن در شهرها و روستاهای استان بوشهر؛ اقدامات عملی بیشتری در جهت حفظ محیط زیست و در ارتباط با آن انجام می دهند و در روند تصمیم

سازی زیست محیطی می توان از آنها بهره برد و طرح هایی در حوزه ی زیست محیطی با مشارکت آنان انجام داد. بنابراین باید به زنان در زمینه حفظ محیط زیست، ایجاد انگیزه کافی و توانمند ساختن آنها برای مسایل زیست محیطی که سلامت آنان، خانواده و جامعه را هدف قرار داده، آموزش هایی داد و برای توانمندسازی زنان در حفظ محیط زیست برنامه هایی داشت. زیرا توانمند کردن زنان در جهت جلب مشارکت آنان به معنی توانمند کردن جامعه است. توسعه کمی و کیفی آموزش زنان باعث ارتقای دسترسی به آموزش و از بین بردن تفاوت های جنسیتی و ارتقای ترویج فرهنگ زیست محیطی می شود. با توانمند کردن بیشتر زنان در حوزه ی محیط زیست؛ به آنان احساس ارزشمند بودن، حق تصمیم گیری، استفاده از فرصت ها و منابع و قدرت اجتماعی جهت تاثیرگذاری بیشتر در نقش هایشان داده می شود. با توانمند ساختن زنان امکان رسیدن به توسعه پایدار در تمامی حوزه ها از جمله زیست محیطی میسر می گردد.



زنان و توسعه پایدار

واژه توسعه پایدار نخستین بار در سال ۱۹۸۰ در گزارش انجمن بین المللی حفاظت از منابع طبیعی تحت عنوان «استراتژی حفاظت از منابع طبیعی» استفاده و از طریق گزارش موسوم به «آینده مشترک ما» توسط کمیسیون محیط زیست و توسعه سازمان ملل تهیه شد. این واژه در طی سال های اخیر بسیار گسترش یافته و برحسب استفاده دارای تعاریف زیادی هست. اما به طور کلی توسعه پایدار؛ توسعه ای است که نیازهای نسل کنونی را بدون خدشه وارد کردن به منابع جهت تامین نیازهای نسل آینده، برآورده کند. برای دستیابی به توسعه پایدار، تمامی افراد جامعه جهانی اعم از زن و مرد به دور از نگاه های جنسیتی و در یک برابری مطلق باید با یکدیگر همکاری داشته باشند. به گونه ای که سازمان ملل برای اهداف توسعه پایدار سال های ۲۰۱۶ تا ۲۰۳۰ این طرح را دنبال می کند و در پی دستیابی به توسعه پایدار با مشارکت و همکاری تمامی افراد جامعه به خصوص زنان می باشد و با این دیدگاه برای این پانزده سال برنامه ریزی های متعددی جهت دستیابی زنان

به برابری جنسیتی، حقوق بشر و توانمندسازی
آنان انجام داده است.

ایده تدوین اهداف توسعه پایدار از دو اجلاس
سازمان ملل آغاز شد. اجلاس سازمان ملل در
سال ۲۰۱۰ که با هدف بررسی اهداف توسعه
هزاره برگزار شده بود، دولت‌ها به طرح هزاره
اعتراضاتی کردند و خواستار تسریع در روند توسعه
پس از سال ۲۰۱۵ شدند. گزارش نهایی هدف
توسعه پایدار در سال ۲۰۱۴ به مجمع عمومی
سازمان ملل ارائه شد که این گزارش دارای
۱۷ هدف کلی و ۱۶۹ هدف خرد می‌باشد. دبیرکل
سازمان ملل نیز شاخص‌های اهداف توسعه
پایدار را به شش مفهوم:

یک. کرامت،

دو. رفاه،

سه. عدالت،

چهار. مشارکت،

پنج. زمین

شش. مردم

طبقه بندی کرد.

نکته برجسته‌ای که در این طرح قابل تامل
هست، نگاه به زنان در تمامی اهداف می‌باشد،

به گونه ای که سازمان ملل، روز جهانی زن که در ۸ مارس ۲۰۱۶ برگزار شد را در جهت تسریع در اهداف توسعه پایدار تا سال ۲۰۳۰ قرار داده و از زنان به عنوان عاملی جهت دستیابی کشورها به توسعه پایدار یاد کرده است. تا از این طریق تمامی زنان در جهان مورد حمایت قرار گیرند و ایده عدالت جنسیتی نیز تحقق یابد و اهداف توسعه پایدار با حضور و مشارکت زنان جهت فقر زدایی، عدالت جنسیتی و بحثهای محیط زیستی به سرانجامی رسد. اهداف توسعه پایدار برای سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۳۰ شامل ۱۷ مورد زیر می باشد:

۱. پایان دادن به فقر در تمام حالات و اشکال آن در همه جا،

۲. پایان دادن به گرسنگی، دستیابی به امنیت غذایی و تغذیه بهبود یافته و ترویج کشاورزی پایدار،

۳. ایجاد زندگی سالم و ارتقای سلامت برای همه و در همه سنین،

۴. فراهم کردن آموزش با کیفیت منصفانه و فراگیر و پیشبرد فرصت های یادگیری در طول زندگی برای همه،

۵. دستیابی به برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان و دختران،

۶. تامین دسترسی و مدیریت پایدار آب و سیستم فاضلاب برای همه،

۷. تامین دسترسی به انرژی مقرون به صرفه، قابل اتکا، پایدار و مدرن برای همه،

۸. ارتقای رشد اقتصادی فراگیر، اشتغال کامل و مولد کار شایسته برای همه،

۹. ایجاد زیرساخت های تاب آور، ارتقای صنعتی فراگیر و پایدار و پرورش نوآوری،

۱۰. کاهش نابرابری در داخل و در میان کشورها،

۱۱. ساختن شهرها و سکونت گاه های انسانی به صورت فراگیر، ایمن، تاب آور و پایدار،

۱۲. فراهم کردن الگوی تولید و مصرف پایدار،

۱۳. انجام اقدامات فوری برای مبارزه با تغییرات

اقلیم و اثرات آن،

۱۴. حفاظت و استفاده پایدار از اقیانوس ها، دریاها و منابع دریایی برای توسعه پایدار،

۱۵. حفاظت، بازسازی و ارتقای استفاده پایدار از اکوسیستم های زمینی، مدیریت پایدار جنگل هاف مبارزه با بیابان زایی، متوقف و معکوس ساختن تخریب زمین و توقف از بین رفتن تنوع زیستی،

۱۶. ترویج جوامع صلح آمیز و فراگیر برای توسعه پایدار، فراهم کردن دسترسی به عدالت همگانی و ایجاد نهادهای اثربخش، پاسخگو و فراگیر در تمام سطوح،

۱۷. تقویت ابزار پیاده سازی و احیای مجدد مشارکت جهانی برای توسعه پایدار.



کسب و کار سبز زنان روستایی

رشد بی رویه جمعیت و توسعه شهرنشینی باعث بوجود آمدن تغییراتی در سبک و کیفیت زندگی

انسان‌ها شده و این امر باعث بروز ناسازگاری‌های زیست‌محیطی و اجتماعی گردیده است.

زنان به عنوان قشری که بخش عمده‌ای از توسعه مربوط به آنهاست، در حل این ناسازگاری‌ها دارای جایگاه ویژه‌ای هستند. سازمان ملل در طرح توسعه پایدار که از ابتدای سال ۲۰۱۶ شروع و تا ۲۰۳۰ ادامه دارد، برای رسیدن زنان به این جایگاه برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ای انجام داده است. «انطباق و تقویت سیاست‌های موثر و قوانین قابل اجرا برای پیشبرد عدالت جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران در کلیه سطوح، انطباق و تقویت سیاست‌های موثر و قوانین قابل اجرا برای پیشبرد تساوی جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران در تمام سطوح» از جمله اقداماتی است که این سازمان در صدد اجرایی کردن آن هست.

مشارکت زنان در عرصه عمومی و کنش اجتماعی آنها یکی از جمله مواردی است که باعث می‌شود زنان بتوانند ضمن دستیابی به شرایط بهتر اقتصادی و پیدا کردن تامین و رفاه اجتماعی، سهم عمده‌ای در توسعه در سطح ملی داشته باشند. از جمله مواردی که می‌تواند ضامن توسعه پایدار

با مشارکت و کنش اجتماعی زنان و باهدف رفع ناسازگاری‌ها و کسب درآمد باشد، کسب و کار سبز هست. با توجه به وضعیت نامناسب اشتغال در ایران، خصوصا برای زنان روستایی، رفتن به سمت کسب و کاری که با روحیات زنانه سازگاری بیشتری دارد را باید مدنظر قرار داد و در این زمینه کارآفرینی‌هایی صورت داد و از این طریق زنان روستایی با مشارکت و کنش اجتماعی - زیست محیطی خود به تحقق توسعه پایدار دست یابند.

در بسیاری از جوامع، زنان روستایی با تبعیض‌های اجتماعی و اقتصادی زیادی روبرو هستند که همین مساله باعث عدم دسترسی آنها به بازار کار می‌شود. تبعیض‌هایی که زنان روستایی در جوامع با آن روبه‌رو هستند باعث کاهش نقش آنان در توسعه اقتصادی پایدار و کم شدن کنشگری اجتماعی آن‌ها می‌شود.

«دلیل این تبعیض‌ها وجود رفتارهای حاکم بر فرهنگ شهروندان یک جامعه در خصوص زنان هست. زنان کارآفرین روستایی از جایگاه اجتماعی اقتصادی خاصی در فرآیند توسعه پایدار برخوردارند و افزایش میزان توجه سیاست‌گذاران به این موضوع حساس و ضروری در جامعه

ی در حال رشد ما، زمینه مناسبی برای بروز استعداد‌های زنان و دختران کارآفرین روستایی را به منظور توسعه پایدار اقتصادی کشور فراهم خواهد ساخت.»

«همواره وجود انگیزه و ترغیب‌ها، نیاز اقتصادی، کسب قدرت و اعتبار در جامعه و دستیابی به رضایت شغلی از عوامل ورود زنان به بازار کار هست. این عوامل باعث می‌شود که ضرورت ایجاد زمینه مشارکت هرچه بیشتر زنان روستایی در عرصه فعالیت‌های کارآفرین سریع‌تر فراهم آید.»

در استان بوشهر به دلیل موقعیت زیست محیطی خاصی که موجود هست، بستر مناسبی برای کنش اجتماعی- زیست محیطی زنان روستایی به شمار می‌رود. با توجه به وجود گونه‌های مختلف گیاهی، حیوانی، آب و هوایی، صنعتی، کشاورزی و... که در استان بوشهر وجود دارد، امکان پرداختن به کسب و کار سبز برای زنان بسیار مهیا هست.

این مساله یکی از زمینه‌های موثر در ارتقای سطح برابری جنسیتی، تقویت و توانمندسازی

زنان روستایی از طریق دادن آموزش به آنان هست و توانمندسازی زنان روستایی در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و.. که لازمه رسیدن به توسعه پایدار می باشد را تقویت می کند.

جامعه باید به این باور برسد که زنان روستایی در کنار مردان در کلیه مراحل توسعه اعم از برنامه ریزی و اجرا باید مشارکت داشته باشند و نتایج حاصل از این مشارکت ها و فعالیت ها را متعلق به خود بدانند. لذا تنها از طریق آموزش دادن به زنان روستایی است که باعث می شود آنها بتوانند در فعالیت های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شرکت کنند و زمینه کم کردن تفاوت بین شهر و روستا، فقرزدایی، اشتغال زایی و درآمدزایی را فراهم کنند.

آموزش به زنان روستایی، باعث کسب هویتی مستقل و تقویت استقلال در بین آن ها می شود و این امر باعث مشارکت فعال آن ها در امور مختلف اقتصادی- اجتماعی- سیاسی و چرخه تولید می گردد. دادن آموزش های کسب و کارهای سبز جهت فقرزدایی زنان و رشد اقتصادی پایدار و کار شایسته و عدم مهاجرت آنها به شهرها، توانمندسازی آنان از طریق آگاه سازی

به حق خود جهت حضور در عرصه عمومی و مشارکت های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، ایجاد و بسترسازی مناسب جهت مشارکت زنان در آثار هنری پاستورال (روستایی)، ترویج فرهنگ تولیدی روستاها و جایگزین نمودن آن به جای فرهنگ مصرفی شهری، تقویت زندگی سالم و ارتقای رفاه اجتماعی زنان روستایی، شناخت امکان های موجود در روستا به دلیل وجود دسترسی به انرژی های پاک و مقرون به صرفه، تاسیس و راه اندازی موسسه مطالعات حیات وحش و گیاهان دارویی به دلیل وجود گونه های متفاوت گیاهی و حیوانی در استان بوشهر، راه اندازی خانه سبز توسط زنان روستایی که در آن به افراد علاقمند به مسایل زیست محیطی، آموزش حقوق شهروندی و محیط زیستی داده می شود.

راه اندازی اتاق خبر سبز؛ سایتی خبری ویژه محیط زیست که در آن تمامی موارد مربوط به محیط زیست بیان می شود، راه اندازی گردشگری توسط زنان روستایی که فرهنگ گردشگری پایدار را به شهروندان آموزش می دهد، راه اندازی خانه خرما در مدارس روستاهای استان بوشهر که کلاس های آموزشی جهت معرفی خرما و محصولات و گونه های مختلف آن به دانش آموزان آموزش

داده می شود، اجرای برنامه حمل و نقل سبز در روستا، بازیافت و مدیریت پسماند و پدافند غیرعامل (تهیه نقشه منابع خطر ساز در مواقع بحران) و... از جمله مواردی است که قابلیت اجرایی شدن آن در روستاها و آموزش به زنان روستایی به عنوان یکی از بنیان های توسعه پایدار است که باعث ایجاد هویتی مستقل و رشد اجتماعی در بین آنان می شود.



نتیجه گیری

همواره حضور زنان در اجتماع به مثابه نیمی از کنشگران اجتماعی، دارای بحث های زیادی بوده و با افزایش مشکلات در بخش محیط زیست، این حضور بیش از پیش احساس گردیده است.

توسعه پایدار بر سه پایه توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفاظت از محیط زیست استوار هست و امروزه نیاز به حضور زنان روستایی جهت انسجام و پویایی اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی برای توسعه پایدار پررنگ تر گردیده است. مشارکت زنان روستایی در امور

اجتماعی و دستیابی به عدالت جنسیتی بخشی از توسعه محسوب می‌گردد. زیرا؛ با توجه به اهداف توسعه پایدار سازمان ملل در خصوص مشارکت زنان جهت فقرزدایی، عدالت جنسیتی، توانمندسازی زنان، توجه به محیط زیست، آموزش و اهداف ۱۷ گانه ای که در طرح توسعه پایدار سازمان ملل مطرح شده، این امکان وجود دارد تا از طرق دادن آموزش به زنان روستایی

در استان بوشهر در طی ۱۵ سال متوالی هویتی مستقل به زنان از طریق کسب و کارهای سبز داده شود. مشارکت به عنوان کلیدی ترین عنصر در دستیابی به اهداف توسعه روستایی از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است.

مشارکت زنان روستایی استان بوشهر می‌تواند تاثیر مهمی در فرآیند توسعه و اتخاذ سیاست های مربوطه داشته باشد. برنامه ریزان توسعه در استان بوشهر باید متوجه باشند که اگر بخواهند به توسعه دست یابند و نتایج پایداری داشته باشند، یکی از وجوه آن توجه به منابع انسانی به ویژه زنان روستایی و بهره گیری کافی و متناسب از این منبع می باشد. لذا مشارکت زنان روستایی همراه با مردان سبب می شود تا روحیه

خودباوری، اعتماد به نفس و مسئولیت پذیری در آنان تقویت شده و از طریق کسب و کارهای سبز روستایی وضعیت جامعه بهبود یابد و دستیابی به اهداف ۱۷گانه توسعه پایدار سازمان ملل تسهیل گردد.

«توسعه پایدار با هدف برطرف کردن احتیاجات انسانی و بهبود شرایط کیفی زندگی، به عنوان قالب مناسبی برای تعیین نحوه بهره برداری از منابع و ایجاد رابطه متعادل و متوازن بین انسان، اجتماع و طبیعت محسوب می شود.. به دلیل حضور افراد به ویژه زنان روستایی در مدیریت محلی، گرایش به درون زایی، عدالت خواهی و سازگاری با محیط زیست دارد» و کسب و کارهای سبز روستایی امکان حضور و کنش زنان در عرصه عمومی جهت توجه بیشتر به توسعه پایدار و ضرورت حضور زنان در کنار مردان را بارزتر می کند. مشارکت زنان روستایی در کلیه زمینه های زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی یکی از مهمترین عوامل دست یابی به توسعه پایدار روستایی بوده و ضرورتی بنیادین دارد.



منابع و مأخذ

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)؛ راه سوم، باز تولید
 سوسیال دموکراسی؛ ترجمه منوچهر صبوری
 ؛ تهران: نشر شیرازه

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)؛ جامعه‌شناسی؛ ترجمه
 منوچهر صبوری؛ تهران: نشر نی

هنشال، ژانت (۱۳۸۵). نقش‌های جنسیتی و
 دغدغه‌های زیست محیطی. ترجمه سونیا
 غفاری. روزنامه سرمایه شماره ۳۶۵. ۱۷/۱۰/۸۵

مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۵). از جنبش تا نظریه
 (تاریخ دو قرن فمینیسم). انتشارات شیرازه

صفری شالی، (۱۳۸۰) نقش توانمند سازی اقتصادی و اجتماعی زنان در توسعه پایدار روستایی، مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی و عشایر، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد کشاورزی

دکتر بهمن خسروی پور - ناهید فروشانی،
مشارکت زنان و توسعه پایدار روستایی،
ماهنامه کار و جامعه، شماره ۱۳۲ و ۱۳۳، خرداد و
تیرماه ۱۳۹۰

